

## شخصیت رسول خاتم (ص) نماد هویت امت اسلامی

شخصیت رسول خاتم (ص) نماد هویت امت اسلامی

صبح زنگنه

اندیشمند اسلامی - ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

پیامبر عظیم الشان اسلام، با تعریفی که از ایشان در مباحث اعتقادی و تاریخی داریم، عامل شکل گیری امت اسلامی، و مفسر و مترجم ابعاد و شاکله این امت است.

بنا بر این، دریافت کننده وحی الهی، ورسانند پیام به بشریت، ونجات دهنده آن از جهل و انحراف و سقوط، و ترسیم کننده مسیر تحول انسان مسلمان، همان یغمابر خاتم (ص) است.

در این مقاله، به موضوعاتی که در ارتباط با این شخصیت عظیم، و تاثیرات آن بر جامعه، و نحوه تبعیت

جامعه از تعلیمات ایشان، و علل مخالفت دیگران با رسالت و تعلیمات رسول ﷺ (ص) و چگونگی تمرکز اعتراضها و انتقادها بر نفس این شخصیت را بررسی کرده و برداشت خود را تقدیم خواهم نمود.

### ویژگی‌های شخصیت

در تعریف شخصیت پیامبر گرامی اسلام (ص)، از چند راه و روش می‌توان اقدام کرد :

نخستین روش، استناد به تعریفی که قرآن کریم، از ایشان دارند، و در جا به جای آیات و سوره‌های آن آمده است.

ما به دلیل وجود صفات و ویژگی‌های متعدد و خارج از احصاء، تنها به تعدادی از آن صفات می‌پردازیم:

یک: " وما ارسلناک الارحمة للعالمين " که بیانگر روشن بعثت پیامبر برای تمامی انسانها، و از با بت لطف و عنایت و رحمت الهی به عالمیان است. این صفت شاخص؛ در مقابل برخی توصیفهای کتب ادعایی از سایر پیامبران است که از خشونت و تعدی و انحرافها یی والعياذ باه از دیگر پیامبران، حکایت می‌کند

دو: " انک لعلی خلق عظیم " علاوه بر اراده رحمت الهی برای عالمیان، از سوی خداوند منان، بر صفت اخلاق و ای پیامبر هم تاکید می‌شود. در سلوک و سنت رسول ﷺ، کاربرد این اخلاق را در میان جامعه، در خانواده، در مورد فرزندان، در مقابل همسایگان، نسبت به فقرا و نیازمندان، در برابر مخالفان، و در تربیت پیروان، در تحمل دشمنیها و مقابله با روش‌های انسانی تحسین بر انگیز و مدها عنوان دیگر قابل لمس و یاد آوری است

سه: " قل انما انا بشر مثلکم " در اینگونه آیات، منظور خلع صفت دریافت وحی نیست؛ بلکه تاکید بر اینکه این صفت، موجب امتاز گیری وفضل فروشی نمی‌شود، و ارتباط با همه انسانها را راحت تر می‌نماید. در واقع، با این آیه کریمه، نفي صفت " فرشته بودن " را مینماید. و بر ضرورت جریان امور زندگی بر اساس روابط عادی انسانی وسادگی گفتگو با آن " خیر البشر " است. نه از تجملات و حصارهای پادشاهان خبری هست، و نه از ادعای چیزی بیشتر از آنچه قرآن کریم آورده است.

چهار: " ولو کنت فضاغلیط القلب لانفضا من حولک " در میان رهبران، آنهم در جوامعی که حاکمیت را با زور و غلظت در رفتار تعریف می‌شود، ودر آن دوران سران قبایل و حتی حاکمان کشورها، ایجاد رعب و وحشت میان جامعه را مناسبترین روش تسلط بر انسانها تلقی می‌شد، ودر جوامع بعدی هم، از نظریه و توصیه پردازان ما نند " ماقیا ویلی " می‌خوانیم که به " امیر " ان به حفظ تصویر " خشن " از امیر در جامعه توصیه می‌کنند، ودر جوامع کنونی نیز، استفاده از " قدرت فائقه " در سرکوب مخالفان وایجاد ترس و وحشت، یکی از روش‌های موثر در حفظ " قدرت " تلقی می‌شود، ودر حد اقل، ایجاد " ابهام و ایهام " در ذهن مردم، لازمه ادامه قدرت وسلطه دانسته می‌شود؛ در چنین فضاهایی، خداوند حنان، از پیامبر خود، صفت " خشونت و تندي " را نفي می‌کند. گویی آنرا برای هدایت انسانها، خطرناک می‌داند.

پنج: "فاعف عنهم واستغفر لهم وشاورهم في الامر ، فإذا عزمت فتوكل على الله" در این آیه شریفه، چندین رویه ورفتار را به پیامبر گرامی دستور وتعلیم می‌دهد، که در ساختن یک جامعه انسانی با هویت وشخصیت عزتمند به کار آید. به کار بردن عفو وگذشت، تا مرحله تازه ای آغاز گردد، وبا طلب مغفرت برای آن جامعه، تهیه فضای معنوی لازم حاصل آید، وبا مشورت کردن، روحیه همفکری وتفاهم واجماع سازی در جامعه شکل می‌گیرد، واز بروز استبداد در آینده اجتماع جلوگیری می‌شود.

شش: " يتلوا عليكم آياتنا ويزكيكم ويعلمكم الكتاب والحكمة" این ویژه گی وصفات عالیه، ضرورت اهتمام وبلکه اساس قراردادن تعلیم وتزکیه، به عنوان نقش ووظیفه بزرگ رسول الله (ص) را می‌رساند. به عبارتی دیگر، پایه مورد نظر وحی الهی، همان تعلیم وتزکیه است، یعنی انسان سازی در عالیترین شکل خود، و نه ساختن افراد جنگجو یا سلطه گر، آنگونه که در سایر جوامع دیده می‌شود.

هفت: " ادع الي سبیل رب بالحكمة والموعظة الحسنة " راه وروش گفتگو با دیگران، اجبار وзор گویی، یا جادو کردن وایجاد توهمن وتخیل، نیست. بلکه، حکمت وانتخاب بهترین رویه ها است. هرگز مذاکره وگفتگو با دیگران، از روش مغالطه یا تحقیر ویا دروغگویی نیست . همه این روشها، با روش " موعظه حسنہ " ناسازگار است.

هشت: " آمن الرسول بما انزل اليه من ربہ والمؤمنون كل آمن بما وملائكته . كتبه ورسله بلا نفرق بين احد من رسله" این صفت وتعلیم الهی در خصوص بذیرش انبیاء وکتب الهی پیشین است، وعلامت روشنی از عدم خود محوری، و " مبدأ تاریخ دانستن خود " است.

ماهیت رسالت‌های الهی، یکی است، مبدأ آنها هم یکی است . تعلیم دادن جامعه به این مفهوم، ما یه

تفاهم جهانی را باعث می‌شود، و احترام گذاشتن به زحمات و نقش انبیاء بزرگ الهی است.

هشت: " وَ الْعِزَّةُ لِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ "

عزت وکرامت، صفتی است که خداوند متعال آنرا برای ذات اقدس خود و برای پیامبر گرامی و برای مومنین قابل شده است. یعنی اینگونه نیست که عزت، برای مردم مومن منظور نشده باشد این رسول الله است که حلقة واسط عزت و افراد نباید عزت خود را دست کم بگیرند این یک شان الهی است

در آیه دیگری، آمده است " عزیز علیه ما عنتم " ای مومنان، سختیها یی که می‌کشید، بر پیغمبر نیز سخت است و از ناراحتی شما، رسول الله نیز ناراحت می‌شود

نه: " وَيَضْعُ عَنْهُمْ أَصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالُ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ " پیامبر خاتم، غل و زنجیرها یی که بر مردم تحمیل شده بود، از پای و روح و جان آنها، بر می‌دارد، و آزادشان می‌کند . این خصوصیتی است که انسانها مصلح بزرگ، برای رها یی انسانها، بر عهده می‌گیرند . پیامبر، هم خرافات و عقاید فاسد را می‌زداید، وهم مقررات و قواعد خلاف انسانیت انسان را بر طرف می‌سازد

ده : " وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِالْقُسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ " حکمیت میان مردم، توسط پیامبران، ساقه دارد، و رسول خاتم نیز این وظیفه را بر عهده داشتند حکومت به قسط، مختص حکومت میان مومنین و مسلمین، نیست. حتی نسبت به دشمنانی که خرد حسابی هم با آنها داشته باشیم، باید ملاک عدل و قسط اجرا شود . در آیه کریمه آمده است " وَلَا يَجْرِمُنَّكُمْ شَنَآنَ قَوْمٍ عَلَى الْإِعْدَالِ وَإِذَا هُمْ أَقْرَبُ لِلتَّقْوِيَّةِ "

آیه های ذکر شده، و ده ها آیه و روایت، ابعادی از شخصیت خاتم الانبیاء ترسیم می‌کند، که هیچ انسان سليم النفسي، نمی تواند احساسی غیر از تعظیم و تکریم نسبت به ایشان داشته باشد .

نحوه تعامل جامعه انسانی با این شخصیت:

در دوران پیامبر (ص)، مشرکان و کفار، نسبت به شخصیت پیامبر گرامی، تعرض زیادی داشته اند. عده ای آنرا خلاف سن موروثی دانستند، و از اینکه آنها را نسبت به بتها و رسوم جاهلي بار می‌داشت، معتبر بودند .

برخي دیگر، نگران جایگاه و موقعیت حاکمیتی خود بودند.

گروهی، تهمت جادوگری میدادند،

جماعتی صفت جنون میدادند،

اغلب کفار، مانع از شنیدن سخنانش میشدند،

اراذل واوباش را به جانش میانداختند، حتی از آزار و اذیت و توهین، رویگردان نبودند

آیه مبارکه قرآن، چنین توصیف میکند : " كلما جائهم رسول بما لا تهوي انفسهم فربقا كذبوا و فریقا  
قتلولون " واین همان حالت تکراری بنی اسرائیل نسبت به پیامبر انسان بوده است.

" و اذا قيل لهم تعالوا الي ما انزل الله والي الرسول، قالوا حسبنا ما وجدنا عليه آباءنا "

" وشاقولوا الرسول من بعد ما تبين لهم الهدی "

" قل ابابا وآياته ورسوله كنتم تستهزئون"

" ان الذين يحدون الله ورسوله اولئك في الاذلين "

" قال يا قوم ليس بي ضلاله ولكنني رسول من رب العالمين "

" قال يا قوم ليس بي سفاهة ولكنني رسول من رب العالمين "

" حتى يقول الرسول والذين آمنوا معه متى نصر الله "

سپس، خداوند لطیف میفرماید " يا ایها الرسول لا يحزنك الذين يسارعون في الكفر "

از این مجموعه، این نتیجه را میگیریم که موضوع تکذیب و اهانت و حتی آزار پیامبر (ص) مسبوق به

سابقه است . وحتی پیامبران گذشته نیز گرفتار افراد و گروهای مخالف بوده اند، علل اصلی مخالفتها، به چند مطلب بر می‌گردد:

نگرانی از ترک آداب و رسوم گذشتگان

ترس از بروز قدرت جدید و فقدان مکانت وجا یگاه موجود،

از دست دادن امتیازهای اقتصادی و مالی حاصل از وضع موجود است ،

علماء و محققان غیر مسلمان

در میان دانشمندان غیر مسلمان، آثار زیادی پیرامون شخصیت پیامبر عظیم الشان، منتشر کرده اند، که عده ای از آنها، به تکریم و تعریف پرداخته اند، و گروهی دیگر از ایشان، نفي رابطه وحي الهي نموده اند؛ جمعی هم سعی کرده اند تا به زعم خود، تناقضاتی و شباهاتی را سرهم بندی نمایند.

مستشرقان غربی، که عده ای از آنها را یهودیان متعصب تشکیل می‌داده اند، کتابهای متعددی در این خصوص نوشته اند، و می‌توان گفت که در فرهنگ غربی، حالتی از حساسیت منفی بوجود آورده اند.

همین حالت، در کتابهای درسی مدارس غربی در مورد اسلام، و پیغمبر (ص) نیز وجود دارد.

شباهات و انتقادها، به دو صورت بوده است : تعدادی نسبت به آیات قرآن و روایات انتقاد می‌کردند :

گروه دیگری، بیشتر به شخصیت پیغمبر و اهل بیت و پیروان ایشان تعریض می‌نمودند.

جمع اول، میان دانشجویان و دانش پزوهان تاثیر گذاری داشته اند :

اما جمع دوم، گسترده بیشتری از قشرهای جوامع غربی را تحت تاثیر قرار می‌داده اند و به یک " فرهنگ عمومی " تبدیل می‌ساختند.

البته، انسانها ی بزرگی از مورخان غربی، اعجاب و تعظیم خود را نسبت به شخصیت محمد ابن عبد الله، صلی الله علیه وآلہ وسلم، پنهان نکرده اند، مانند " توینبی "، و خانم " شمیل "، اما این افراد نتوانستند به جریان اصلی تبدیل شوند.

جريا نهاي اخيري هم که به راه افتاده است، چه رمان " آيات شیطاني " و چه کاريکاتورهای منتشره در نروز، وجه فيلم اخيري که از سوی يک تهيه کننده مسيحي - یهودي تهيه و بر روی شبكه هاي اجتماعي نهاده شده است؛ از فاز جديد تعرضها در بعد عمومي و برای تحريك احساسات عمومي ( هم مسلمانان وهم پیروان ساير ادييان ) حكايت می‌کند.

اگر دو دهه به عقب برگردیم، و به کتاب مشهور " درگیری یا جنگ تمدنها " نگاهی بیاندازیم، از يک " نظریه پردازي " برای اين درگیریها، توسط نظریه پردازان غربی، مطلع می‌شویم .

در اين کتاب، از انواع چالشها و درگیریها، سخن به میان می‌آيد، اما بر " درگیری میان فرهنگها و تمدنها " تاكید شده؛ و آنرا آخرين وبالاترین نوع درگیری تلقی می‌کند.

نقش تک قطبی شدن در افزايش درگیریها

در جريان فروپاشي شوروی، غرب، و بویژه امریکا، فرصت را مفتتنم شمرده تا ساير رقبا را از صحنه جها نی، خارج نماید. چنیم تصوراتی، در اعلام اینکه پايان جهان، یا " پايان تاريخ " از آن غرب و دموکراسی لیبرال آن است، آنگونه که " فوکویاما " در کتاب خود، ترسیم می‌کرد.

برای از صحنه خارج شدن رقبا، همانها یی که، ها نتگنتون تعریف کرده است، یعنی اسلام و کونفوشیوس، به انواع ترفندها باید متولّ شد. یکی از این ترفندها، افزايش حساسیت مردم مغرب زمین نسبت به اسلام و مسلمانان است، چيزی که به نام " اسلام هراسی " شناخته می‌شود.

وبرای تضعیف روحیه مسلمانان، می‌بايستی به " قله " نمادهای اسلام به انحصار مختلف حمله کرد. و در بالاترین قله ها، شخصیت پیغمبر (ص) قرار دارد.

البته، از انصاف نباید گذشت، که همه سیاستمداران جهان، با این طرز فکر، موافق نبوده اند.

آقای رومان هرزوگ، رئیس جمهور اسبق جمهوری فدرال آلمان، نه تنها مخالف این جریان بوده است، بلکه در مناطق وکشورهای مختلف به ایراد سخنرانی می‌پرداخته و مبانی آن تفکرات را نقض می‌کرده است. ایشان در کتابی تحت عنوان "آشتی تمدنها" به خوبی از عهده اینگونه مطالب برآمده است. در این کتاب، به مشترکات فرهنگ اسلامی و غربی اشاره‌ها دارد، و به مسئولیت‌های کشورها در رسیدن به تمدنی مشترک تحلیلها ارائه کرده است.

### نقش مسلمانان در فضای کنونی

ترددید نباید کرد، که مسلمانان، اعم از سران کشورها، علماء و تشكلها و جریانهای گوناگون، در دامن زدن به فضای ابهام آلود شکل گیری هویت جدید جوامع اسلامی، نقش بزرگی داشته اند.

تضارب اراده‌ها، در خصوص رسیدن به یک "هویت مشترک" اسلامی، از سوی حاکمان، نقش اساسی داشته است. هر حاکمی، برای خود، و جامعه تحت حاکمیت خود، یک تعریفی از هویت دارد، و هرگونه "تکامل" و "غنای فرهنگی با سایر جوامع مسلمان، را مردود می‌داند؛ اما در همین حال، دروازه‌های تعاطی فرهنگی با "سایرین" با حد اعلی تسامح. گذشت، باز نگه داشته است، در حدی که اغلب جوامع اسلامی، از حد اقل توان در بیان و نوشتار به زبان محلی خود، عاجز مانده است !!

علماء اغلب به درگیریهای به اصطلاح "مذهبی" و طایف‌ای سرگرم شده، و از خلاقیت وابتكار، عقب مانده اند، بلکه و حتی از درک صحیح جریانهای القائی، ناتوان شده اند.

جریانها و احزاب اسلامی و مذهبی، در تلاش برای "کسب قدرت" یا ثروت، مسابقه گذاشته، و از هیچ "مدارایی" با حاکمان کشوری؛ منطقه‌ای یا جهانی، ابا نداراند، گویی تسامح با جریانهای سلطه جهانی، از سوی پیامبر (ص) توصیه شده است!!

تصویری که از اسلام و رسول گرامی، توسط جریانهای تند و افراطی تکفیری، ارائه شده است، خود عامل بزرگی در دیگرگونه نشان دادن اسلام و پیامبر نقش داشته اند.

فقدان مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی، با درک صحیح از تحولات جهانی، عامل دیگری است از انعدام تاثیر گذاری مثبت بر معرفی صحیح چهره اسلام و پیامبر در سطح جهان.

القای مفاهیم خشن، عدم توجه به زندگی پر از لطف و رحمت و مهربانی رسول ﷺ (ص)، به تراکم فهم اشتباه، کمک کرده است.

چه باید کرد؟

با یک مروری بر آنچه گذشت، می‌توان به سرنخهایی از راه کارهای ضروری "بازشناسی هویت اسلامی" با محور قراردادن شخصیت پیامبر اکرم (ص)، دست یازید.

نخست : راه اندازی مطالعات تاریخی، اجتماعی و روانشناسی تناسب با اهداف مورد نظر، برای دستیابی به نتایج علمی، گرچه مغایر با چارچوبهای ذهنی قبلی ،

دوم: اهتمام به عناصر هنری و فرهنگی موثر در معرفی صحیح تاریخ اسلام و پیامبر (ص)

سوم: گریز از ارائه تصویر خشن و مخدوش از چهره‌ها مبر و اتباع ایشان ،

چهارم: مراوده علمی با مراکز اکادمیک و نظریه پردازان و تدوین کنندگان کتب درسی کشورهای غربی پنجم: پرهیز از ادامه و یا توسعه اختلافهای فرقه‌ای و مذهبی در محافل غیر علمی و متعصبانه

ششم: متوقف کردن حمایتهای افراد جاہل و ساده از جریانهای افراطی و تفرقه افکن

والسلام عليکم ورحمة الله وبركاته